



بررسی انگیزه ی کار آفرینی دانشجویان کشاورزی

دانشگاه شیراز

احسان معصومی^{*۱}

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز، شیراز - دانشکده ی کشاورزی

چکیده

بخش کشاورزی برای توسعه در سطح گسترده نیازمند تخصص می باشد، درحالیکه فارغ التحصیلان این رشته با مشکل بیکاری مواجه هستند. به نظر می رسد با آموزش کارآفرینی به دانشجویان و هدایت آنها به فعالیت و ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی می توان به توسعه ی این بخش کمک کرد اما پیش از آن لازم است نوع انگیزه ی دانشجویان برای ترغیب آنها به فعالیت های کارآفرینی شناخته شود. هدف این تحقیق، بررسی میزان گرایش دانشجویان سال آخر رشته ی مهندسی کشاورزی دانشگاه شیراز به کارآفرینی و تبیین عوامل موثر بر انگیزه آنها در زمینه ی کارآفرینی است. به عنوان نمونه تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان سال چهار رشته ی کشاورزی در دانشگاه شیراز در پنج گرایش جامعه ی آماری را تشکیل دادند، اطلاعات این تحقیق به وسیله ی پرسشنامه جمع آوری شد و روایی آن توسط کارشناسان ترویج و آموزش کشاورزی تایید شد. پس از تجزیه و تحلیل آماری داده ها به وسیله ی نرم افزار spss نتایج به این صورت بود که انگیزه ی دانشجویان برای کارآفرینی کمتر از حد متوسط است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین دانشجویان مورد مطالعه در ارتباط با انگیزه ی آنها به کارآفرینی بر حسب متغیرهای جنسیت، معدل، رشته ی تحصیلی، سن دانشجویان، وضعیت تاهل و محل زندگی وجود ندارد. بیشترین انگیزه بین دانشجویان نسبت به کارآفرینی به ترتیب مربوط به انگیزه ی هویتی، زیستی، رفاهی و کمال جویی می باشد.

واژه های کلیدی: کارآفرینی، انگیزه، دانشجویان، مهندسی کشاورزی

مقدمه

امروزه چالش های اشتغال یا موضوع کار و بی کاری نه تنها یکی از مهم ترین مسایل اجتماعی روز جهان در کشور ما به شمار می آید بلکه با توجه به به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می توان آن را مهم ترین چالش اجتماعی چند دهه ی آینده به حساب آورد (تاج آبادی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۳۴). حل این مشکل، سیاست گذاران اغلب کشورها را با چالش های بزرگی رو به رو کرده است، به گونه ای که می توان گفت: ثبات و زوال برخی از دولت ها در گرو حل بحران بی کاری است (صالحی و برادران، ۱۳۸۵ ص ۱۸۵). براساس آمار سالانه ۲۷۰ هزار دانش آموخته ی دانشگاهی وارد بازار کار می شوند، اما ظرفیت بازار جواب گوی این تعداد نیست (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵، ص ص ۱۶۸-). حادثه از آن زمانی است که بدانیم، نرخ بی کاری دانش آموخته های دانشگاهی کشاورزی براساس آمار سال ۱۳۸۰ دو برابر نرخ بی کاری در بین سایر توده های بی کار و هم چنین بالاترین نرخ بی کاری در بین کل دانش آموختگان دانشگاهی است (جلالی، ۱۳۸۲ الف؛ ب، ص ۲۰) دانش آموختگان علمی - کاربردی نیز از این اصل مستثنی نبوده و بخشی از این آمار را تشکیل می دهند. هر چند که بحران یادشده در مورد این دسته از



دانش آموختگان، معضل بسیار بزرگ تری به نظر می رسد. چرا که به دلیل ماهیت این نوع آموزش ها که به عنوان نظامی در درون نظام آموزشی کشور و به عنوان سومین نظام آموزشی کشور در تکمیل دو نظام موجود به منظور شکل دادن به آموزش های شغلی در سطح جامعه طراحی شده است و چنان که در بنده ماده ی ۲ آیین نامه ی تشکیل شورای عالی آموزش های علمی - کاربردی، طراحی یک نظام آموزشی پیش بینی شده است که فارغ التحصیلان آن کارایی لازم برای اشتغال را داشته باشند (شریعی و مهاجر، ۱۳۸۵، ص ۴۷۵)، انتظار اشتغال دانش آموختگان علمی - کاربردی بسیار بیش تر از سایر دانش آموختگان کشور است. اما این انتظار هم چنان در سطح رضایت بخشی برآورده نشده است. از سوی دیگر تجارب کشورهای مختلف دنیا اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، نشان دهنده ی آن است که بررسی دلایل گرایش به کارآفرینی دانشجویان بهترین گزینه برای آماده کردن فراگیران نظام آموزشی برای اشتغال در بازار کار، خوداشتغالی و آموزش کارآفرینی است (تاج آبادی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۳۴). عامل انسانی مهم ترین جنبه ی کارآفرینی بوده و آموزش عامل انسانی در روند پیشرفت کارآفرینی تاثیر به سزایی داشته و دارد (همان). به طور کلی آموزش کارآفرینی، در رابطه با افراد تنها دو گزینه در پیش رو دارد یا این که آموزش کارآفرینی اقدام به روحیه ها، ویژگی ها و مهارت های کارآفرینی در فراگیران کند یا این که برای «ایجاد» ویژگی ها و مهارت های کارآفرینی در فراگیران سمت و سو یابد (همان) تا «پرورش» فرد به کمک آن ها بتواند به راه اندازی یک کسب و کار کارآفرینانه اقدام کند. در حالی که نکته ی مهمی در این زمینه نادیده گرفته شده و آن این است که در مجموع، چنین دوره هایی موجب می شود که درصد بالایی از کسب و کارهای جدید، در ابتدای کار توسط افراد موفق شوند در حالی که هنوز تعدادی از افراد نسبت به کار آفرین بودن تصمیمی نگرفته اند. زیرا راه اندازی یک کسب و کار کارآفرینانه در وهله ی اول یک تصمیم فردی و شخصی است. متأسفانه اکثر تحقیق های کارآفرینی نیز توجه خود را کسب و کار (مرحله ی بعد از تصمیم گیری) کرده و نسبت «فرایند راه اندازی» معطوف به مرحله ی تصمیم گیری غفلت می کنند. در آموزش های کارآفرینی نیز این امر نادیده گرفته می شود. این در حالی است که به طور واضح، قبل از مرحله ی راه اندازی، مرحله ی تصمیم گیری قرار دارد. در مرحله ی تصمیم گیری به این نکته توجه می شود که چه عوامل و عناصری باعث می شود تا یک فرد تصمیم بگیرد که از میان گزینه های شغلی مختلف، راه اندازی یک کسب و کار را انتخاب کند (جلالی، ۱۳۸۲ الف؛ ب، ص ۲۰). در این باره تمایل به کارآفرینی را می توان به عنوان پیش درآمد و عامل موثر بر رفتار کارآفرینانه و یا تصمیم برای کارآفرین بودن و خلق یک کار جدید قلمداد کرد (همان). از این رو، آن چه در این زمینه مطرح می شود این است که چگونه می توان در دانش آموختگان تمایل به کارآفرینی را ایجاد کرد تا در آن ها مقاصد و انگیزه های کارآفرینانه برای تصمیم به راه اندازی یک کسب و کار ایجاد شود. بر این اساس، باید آموزش های کارآفرینی در افراد را به سمتی فراتر از آشنایی و ایجاد مهارت ها ی راه اندازی یک کسب و کار کارآفرینانه برد و بیش تر به دنبال این موضوع رفت که چگونه در افراد نیت کارآفرینانه شکل می گیرد، چگونه می توان افراد را برای کارآفرین شدن تشویق کرد و در این مسیر، پرورش و آماده سازی شرایط و ویژگی های خاصی در ایجاد انگیزه های کارآفرینانه و اقدام به خود اشتغالی تاثیر خواهد داشت. پس ابتدا باید انواع انگیزه ها شناخته شود تا به راه های مختلف برانگیختن آنها پی ببریم. نیت کارآفرینانه به عنوان یک عامل زیربنایی برای راه اندازی یک فعالیت رسمی کارآفرینی مطرح است. الگوهای زیادی برای سنجش نیت کارآفرینانه وجود دارد که به علت تکیه صرف به ویژگی های فردی و عدم توجه به ویژگی های اجتماعی توانسته اند الگویی جامع در این زمینه ارائه دهند (تاج آبادی و همکاران، ۱۳۸۷). مثل مدل جهت گیری نگرش کارآفرینانه که در آن از ابعاد ویژگی های جغرافیایی و شخصیتی بررسی می شوند و به معیارهای (موفقیت، خودباوری، کنترل فردی و نوآوری) و واکنش های عاطفی، شناختی و رفتاری ارتباط داده می شود، یا مدل داویدسون که در آن سرچشمه نیت عوامل اقتصادی، روانشناسی تعریف می شود (Krueger et al 2000). اما در تئوری رفتار برنامه ریزی شده که توسط آژن مطرح شده است علاوه بر عوامل فردی مثل نگرش فردی نسبت به پیامد رفتار و کنترل رفتارهای درک شده، هنجارهای ذهنی که با مسائل مربوط به فرهنگ جامعه مرتبط است نیز مطرح شده است و تفاوت این تئوری با دیگر الگوها اشاره به متغیر هنجار ذهنی است (Moriano et al 2006). Lenna Lee و همکارانش در سنگاپور تغییر را در سال ۲۰۰۹ در زمینه ی عوامل شخصی و سازمانی موثر بر نیت کارآفرینانه انجام دادند. مطالعه بر روی ۴۱۹۲ متخصص IT



صورت گرفت. آنان فرض را بر این گذاشتند که منشا گرایش به کارآفرینی باید جایی در محیط کاری و خصیصه های شخصیتی افراد باشد، پس اگر قرار است علتی برای ترک شغل افراد با هدف آغاز کسب و کاری شخصی بیابیم باید به این موضوع توجه کنیم. نتایج تحقیقات رحمانیان کوشکی و همکارانش در دانشکده ی کشاورزی دانشگاه آزاد ایلام نشان می دهد متغیرهای مستقل از جمله باور به خودکارآمدی، نگرش نیت به کارآفرینی، حمایت خانواده و هنجارهای ذهنی رابطه ی مثبت و معنی دار با نیت کارآفرینانه دارد. معمولاً دانشجویان پس از اتمام تحصیل با نوعی حس بیگانگی وارد یک جامعه ی جدید می شوند، جامعه ای که از نقطه نظر اقتصادی مدت ها با آن فاصله داشته اند و بدون آینده نگری اقتصادی تمام وقت خود را مشغول گذراندن واحدهای درسی بوده اند و اکنون این واحدهای درسی از نقطه نظر اشتغال و درآمدزایی کاربردی ندارند. از طرفی به کارگیری همه ی فارغ التحصیلان دانشگاه از سوی دولت با توجه به تعداد زیاد آنها مقدور نمی باشد. مطالعه بر روی کارآفرین اگر نگوئیم اهمیتی بیشتر از مطالعه بر روی کارآفرینی دارد، می توان به صراحت بیان کرد که از اهمیتی همسان برخوردارند. مطالعه بر روی جنبه های مختلف اثرگذار بر تصمیم گیری فرد برای آغاز یک فعالیت کارآفرینی بسیار حائز اهمیت است چراکه فرد قبل از آشنا شدن با جنبه های شناختی و مهارتی یک فعالیت کارآفرینانه، باید به کارآفرینی علاقه مند باشد و برای احیای یک فعالیت کارآفرینانه دارای انگیزه باشد. پس بهتر است دانشجویان با نگرشی جامع و تمایلی مثبت نسبت به کارآفرینی تحصیل خود را به پایان رسانده باشند و با تقویت تصمیم گیری برای کارآفرین شدن پا به عرصه های اقتصادی جامعه بگذارند. نتایج این تحقیق می تواند با ارائه ی میزان اثرگذاری عوامل مختلف بر انگیزه کارآفرین شدن منبع اطلاعاتی مناسبی برای مراحل مختلف یک فرآیند آموزشی (مثل نیازسنجی، تعیین هدف، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی)، برای تمام دست اندرکاران آموزشی (مثل مسئولین، کارشناسان، برنامه ریزان، اساتید و دانشجویان) محسوب شود. هدف این تحقیق کشف اولویت انگیزه های دانشجویان دانشگاه شیراز بر اساس نظریه ی انگیزش دکتر غلامحسین زمانی است. که به چهار دسته ی انگیزه های زیستی، هویتی، رفاهی و کمالجویانه تقسیم می شود تا بتوان به وسیله ی تعمیم نتایج به دیگر دانشجویان بهترین راهکارهای انگیزشی دانشجویان را ارائه نمود.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق به روش میدانی صورت گرفته است، جامعه ی آماری این مطالعه را دانشجویان سال آخر دانشکده ی کشاورزی دانشگاه شیراز تشکیل داده است که به روش نمونه گیری تصادفی ۱۰۰ نفر انتخاب شده اند. روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود و اطلاعات آن به وسیله ی spss مورد تحلیل قرار گرفت. ۲۰ سوال در رابطه با شناخت اولویت های انگیزشی در طیف لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف مطرح شده است. مابقی سوالات در رابطه با جنسیت، معدل، رشته ی تحصیلی، سن دانشجویان، وضعیت تاهل و محل زندگی مطرح شده است که هدف بررسی رابطه ی این موارد با انگیزه ی دانشجویان بوده است.

نتایج

الف - نتایج توصیفی:

تمام افراد جامعه ی نمونه در رده ی سنی ۲۲ تا ۲۴ بودند. از بین جامعه ی نمونه ۵۰ درصد پسر و ۵۰ درصد دختر انتخاب شده



اند.

جدول ۱ جنسیت دانشجویان

جنسیت	درصد فراوانی نسبی
مرد	۵۰
زن	۵۰

68 درصد ساکن شهر و ۳۲ درصد ساکن روستا بودند.

جدول ۲ محل زندگی دانشجویان

محل زندگی	درصد فراوانی نسبی
شهر	۶۸
روستا	۳۲

82 درصد از دانشجویان مجرد و ۱۸ درصد متأهل بودند.

جدول ۳ وضعیت تاهل دانشجویان

وضعیت تاهل	درصد فراوانی نسبی
مجرد	۸۲
متاهل	۱۸

جدول ۴ رشته ی تحصیلی دانشجویان

رشته ی تحصیلی	درصد فراوانی نسبی
آبیاری	۲۰
ترویج	۲۰
اقتصاد	۲۰
گیاهپزشکی	۲۰
ماشین آلات	۲۰

ب - نتایج تحلیلی:

بین جنسیت با انگیزه رابطه ی معنی داری وجود ندارد



جدول ۵ رابطه ی جنسیت با انگیزه

نوع انگیزه	خصیصه	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی داری
زیستی	مرد	18.48	3.604	-.232	.148
	زن	18.83	1.772	-.345	
هویتی	مرد	18.00	2.616	.111	.624
	زن	18.13	2.366	.118	
رفاهی	مرد	19.00	4.668	.592	.129
	زن	17.83	2.280	.482	
کمالجویی	مرد	18.78	3.077	-.645	.855
	زن	19.67	2.969	-.631	

بین وضعیت تاهل دانشجویان و انگیزه ی آنان نسبت به کارآفرینی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول ۶ رابطه ی وضعیت تاهل و انگیزه

نوع انگیزه	خصیصه	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی داری
زیستی	مجرد	19.48	2.605	.235	.288
	متاهل	19.83	3.033	.353	
هویتی	مجرد	20	2.333	.112	.431
	متاهل	19.44	3.059	.114	
رفاهی	مجرد	19.10	4.355	.551	.211
	متاهل	19.90	4.004	.448	
کمالجویی	مجرد	19.10	3.555	.641	.889
	متاهل	18.88	3.003	.658	



بین معدل دانشجویان با انگیزه آنها نسبت به کارآفرینی رابطه ی معنی داری وجود ندارد

جدول ۷ رابطه ی بین معدل و انگیزه

متغیر	زیستی	هویتی	رفاهی	کمالجویی
معدل	-.254	.073	.146	-.122
سطح معنی داری (p)	.175	.703	.441	.520

با توجه به جدول بیشترین انگیزه بین دانشجویان نسبت به کارآفرینی به ترتیب مربوط به انگیزه ی هویتی، زیستی، رفاهی و کمال جویی می باشد.

جدول ۸ اولویت انگیزه ی دانشجویان

نوع انگیزه	میانگین	انحراف معیار
زیستی	20.16	2.588
هویتی	19.890	2.441
رفاهی	19.598	3.012
کمال جویی	19.11	2.859



بحث

با توجه به نتایج به دست آمده رابطه ی معنی داری بین انگیزه ی دانشجویان نسبت به کارآفرینی بر حسب متغیرهای جنسیت، معدل، رشته ی تحصیلی، سن دانشجویان، وضعیت تاهل و محل زندگی وجود ندارد. بیشترین انگیزه بین دانشجویان نسبت به کارآفرینی به ترتیب مربوط به انگیزه ی هویتی، زیستی، رفاهی و کمال جویی می باشد

با توجه به نتایج فوق این پیشنهادات مفید به نظر می رسد:

- دادن اعتماد به نفس به دانشجویان در این زمینه که با رفتن به سمت کارآفرینی در شغل خود مستقل خواهند بود.

- تاکید بر جنبه های منزلتی کارآفرینی

- تشویق دانشجویان به کارآفرینی از سوی افرادی که برای آنان مهم تلقی می گردند مانند دوستان، پدر و مادر، استادان و غیره و نیز ارزش و بها دادن به کارآفرینان از سوی جامعه؛

- ارائه درس کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی به عنوان یکی از دروس پایه برای تمام گرایش های کشاورزی؛

- تقویت انگیزه های درونی و بیرونی دانشجویان و ارائه مشوق های مناسب به آنان و نیز تقویت دیدگاه دانشجویان درباره مزایای کارآفرین بودن و منافع حاصل از کارآفرینی؛

- ایجاد ادراک مثبت در دانشجویان درباره جاذبه های کارآفرینی و تقویت ذهنیت آنها در این زمینه و پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی؛

- توجه به پرورش و رشد روحیه نوآوری و خلاقیت در دانشجویان و وفور فنون خلاقانه در آنها و نیز آموزش شیوه های تفکر خلاق به آنان.



منابع مورد استفاده

- تاج آبادی، رضا و همکاران. (۱۳۸۷). آموزش و توسعه‌ی کارآفرینی و روش‌های بکارگیری آن در نظام آموزش عالی کشاورزی. همایش ملی کارآفرینی، فرهنگ و جامعه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- صالحی، سعید؛ برادران، مسعود. (۱۳۸۵). راهکارهای بکارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی. مجله جهاد شماره ۲۷۴، آذر و دی، صص ۲۰۵-۱۸۳.
- عزیزی، بهارک؛ حسینی، سید محمود. (۱۳۸۵). نقش آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی. مجله جهاد، شماره ۲۷۴، آذر و دی، صص ۱۸۲-۱۶۵.
- جلالی، خلیل. (۱۳۸۲). ساماندهی اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی. فصلنامه‌ی نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۲، صص ۱۹-۲۳.
- شریعی، محمد تقی؛ مهاجر، علیرضا. (۱۳۸۵). بررسی برنامه‌های درسی و مهارت‌های برنامه‌ریزی در آموزش‌های علمی-کاربردی. مجله جهاد، شماره ۲۷۴، آذر و دی، صص ۴۸۱-۴۷۱.

Krueger, N.F.J.R, Reilly, M.D., & Carsrud, A.L. (2000). Competing models of entrepreneurial intentions. *Journal of Business Venturing*.

Moriano, J.A, Palaci, F.J., & Morales, J.F. (2006). The entrepreneurial intention of university students in Spain. UNED. Spain.

Students' Entrepreneurial Motivations Survey in Shiraz Agricultural College

Ehsan Masoomi^{*1},

¹Graduate Student Agricultural Education and Extension, college of Agriculture, Shiraz University,

Abstract

Agriculture section extensively needs proficiency to achieve development, while its graduated students are unemployment. It seems that by entrepreneurship training courses, we help them to create a new business in agriculture, which it could make development in this field easier, but its precondition is a necessity to knowing their motivation to persuade them for agricultural entrepreneurship. The purpose of this research was to assessing the students' tendency to agricultural entrepreneurship and factors which affect their tendency, in Shiraz University agricultural college senior students. Our study sample was number of 100 students from five different of agriculture's disciplines, and we used questionnaire as data gathering instrument. Our questionnaire face validity has been confirmed by number of extension experts in Shiraz University. After the data statistical analyses by SPSS software, the results showed that the motivation of students for entrepreneurship is less than average score of our measurement scale. Additionally, results shown that there is no significant different between students' motivation to entrepreneurship in different groups of students (groups include some variables: gender, sex, scores, disciplines, marital status and living location). The student highest degree of motivation to entrepreneurship tendency belong to personality, Identity, welfare and perfection motivation, respectively.

Keywords: Entrepreneurship, Motivation, Students, Agriculture Engineering